


روز جهانی معلولین گراهی باد

واژه‌ها و برچسب‌ها تاثیر زیادی بر شیوهی ارزش‌گذاری و قضاوت کردن افراد می‌گذارد. به واژهی معلول دقت کنید. معلول (disabled) یا کم توان «به کسی گفته می‌شود که بر اثر نقص جسمی یا ذهنی، اختلال قابل توجهی به طور مستمر بر سلامت و کارایی عمومی، و یا در شئون اجتماعی، اقتصادی و حرفه‌ای او به وجود آید، به طوری که این اختلال، از استقلال فردی، اجتماعی و اقتصادی وی بکاهد. این گروه، شامل حسی مانند ناشنوا و نابینا، و همچنین معلول جسمی و معلول ذهنی می‌باشد»

به نظرم این تعریف بیش از حد روی فرد متمرکز است. یعنی بعد اجتماعی داستان در این تعریف دیده نمی‌شود. مفاهیمی مثل توانایی یا ناتوانی یا کم‌توانی مفاهیمی جهانی و عینی نیستند بلکه تا حد زیادی با توجه به تعاریف، استانداردها و همین‌طور ساز و کارهای اجتماعی شکل می‌گیرند. به عنوان مثال فردی را در نظر بگیرید که نمره‌ی چشم او ۱۰ است. این فرد اگر ۵۰۰ سال پیش زندگی می‌کرد با توجه به تعریف بالا یک فرد معلول تلقی می‌شد، اما در جامعه‌ی امروز با استفاده از یک عینک ساده یک فرد عادی (توانا) تلقی می‌شود. موضوعی که این فرد را از یک معلول به یک فرد توانا تبدیل کرده جسمیت او نیست، چون او در هر دو حالت یک فرد است. چیزی که تغییر کرده ساز و کار جامعه‌ای است که او در آن زندگی



می‌کند. چند مثال دیگر: من با معیارهای مرسوم جامعه‌ی ایران خودم را توان‌مند (غیر معلول) می‌دانم. اما در صورتی که در کشور ژاپن مسافر باشم و نشانی هتل‌ام را گم کنم و کسی را نیابم که انگلیسی یا فارسی بداند تبدیل به یک معلول خواهم شد: کسی که نمی‌تواند کار ساده‌ی رفتن به خانه‌اش را به تنهایی انجام دهد. به همین نحو، فردی که یک انگشت دستش را از دست داده می‌تواند توان‌مند یا معلول باشد، بسته به این که جامعه چگونه به فرایند «معلول شدن و معلول ماندن» او نگاه کند. پدر یا مادری که در حالت عادی توان‌مند هستند، در صورتی که وادار شوند با کالسکه‌ی نوزاد در شهری که جا و بی‌جا خوب و پله دارد حرکت کنند ناتوان می‌شوند. فرد نابینایی که در صورت وجود علائم صوتی و بریل به راحتی می‌تواند کارهای روزانه‌اش را انجام دهد، در صورتی که موقع عبور از خیابان علامت صوتی‌ای نباشد که او را راهنمایی کند (مثلاً با صدا بگوید کی سبز است و کی قرمز) «ناتوان» می‌شود.

معلول بودن - معلول شدن یک فرایند دوگانه است. از یک سو به بعد جسمانی و روانی فرد وابسته است و از سوی دیگر بعد اجتماعی دارد. نکته این جاست که شیوه‌ی تعریف ما از مفهوم معلول بودن و واژه‌هایی که برای توصیف افرادی که در این حوزه می‌گنجند به کار می‌بریم می‌تواند روی مسیری که جامعه حرکت می‌کند تاثیر بگذارد. تعریف‌هایی که بیش از حد روی جنبه‌های پیشینی، استاتیک و فردی (یعنی چیزی که مربوط به فرد است، رخ داده، او معلول شده و این‌گونه خواهد ماند) با تعریف‌هایی که روی جنبه‌های پسینی، دینامیک و اجتماعی (یعنی چیزی که

مربوط به جامعه است، رخ می‌دهد و مدام در حال باز رخداد است) تاکید می‌کنند روی آینده‌ی جامعه‌ای که در حال زندگی کردن و شکل‌دانش هستیم تاثیر می‌گذارد.

سوال این جاست که وقتی می‌گوییم «معلولین»، در حال باز تکرار و تثبیت کدام ساز و کارها و مناسبت‌های اجتماعی هستیم؟ آیا حتی وقتی در حال حمایت از گروه «معلولین» هستیم با اعطای چنین برچسب استاتیک و فردی‌ای به آنها، فرایند اجتماعی‌ای که آنها را «معلول می‌کند» نادیده نمی‌گیریم؟

تک تک ما معلول و سالم هستیم و نیستیم. تک تک ما توانایی‌ها و ناتوانی‌هایی داریم که فقط با توجه به خط‌کشی‌ها و استانداردها و ساز و کارهای یک جامعه‌ی فرضی مرز بین آنها مشخص می‌شود. از موارد خیلی حاد جسمانی که بگذریم، همیشه باید از خودمان سوال کنیم «در این شرایط خاص» ما تا چه حد دارای معلولیت هستیم (people with disability) و تا چه حد شرایط ما را معلول می‌کند (people who are made disabled)؟ یعنی ناتوانی ما تا چه حد با شرایط معنا پیدا می‌کند. این فرایند «معلول شدن» است که باید مورد توجه باشد، نه فرایند «معلول بودن». معلول بودن ساده کردن داستان است. انگار مسئولیت ما محدود می‌شود به یک سری حرکت‌های حمایتی (عقلانی یا ترحم‌آمیز یا هر چه) برای کمک به گروهی که برچسب معلول به آنها زده‌ایم. حال آن‌که تاکید روی فرایند معلول شدن به ما گوشزد می‌کند که باید خط‌کشی‌ها و ساز و کارهایی که عمیقاً در جامعه شکل گرفته‌اند را تغییر دهیم. از این نظر بحث معلولیت به بحث‌های

مهمی مثل گروه‌های به حاشیه رانده شده (marginalized) یا مورد تبعیض واقع شده (discriminated) مرتبط می‌شود. به حاشیه رانده شدن یا مورد تبعیض قرار گرفتن، خصوصیت‌هایی عینی نیستند که در فردیت فرد حکم شده باشند، بلکه اغلب محصول فرایندها و ساز و کارهای اجتماعی هستند.

دفعه‌ی دیگری که در خیابان، آسانسور، اتوبوس، محل کار، خانه و فرودگاه راه می‌روید یا به یک اداره زنگ می‌زنید و منشی تلفنی جواب می‌دهد و باید رفتارهایی مناسب از خود نشان دهید تا کارتان راه بیفتد به این فکر کنید که به کدامین شیوه‌ها ساز و کارهای اجتماعی (از تعاریف گرفته تا طراحی‌ها و معماری‌ها و تکنولوژی‌ها) شما را نسبت به کاری که قصد انجام دادنش را دارید توانا می‌سازند (enabling) و تا چه حد می‌توانند ناتوان‌تان کنند (disabling).

به همین ترتیب به این فکر کنید که تحت کدام شرایط و با کدام رفتارها و نرم‌ها اطرافیان خود را معلول (disabling others) یا توانا (enabling others) می‌کنید؟

تهیه و تنظیم: مهسا توحیدفر - واحد بهداشت و مشاوره



دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی صافی آبادان